Journal of Geography and Regional Development Vol 21, No. 3 (2023) – Serial Number 44

https:// doi.org/10.22067/jgrd.2023.82601.1282

Analysis of the Role of Communication Planning in Realizing the Participation of Local Communities (Case Study: Moradabad neighborhood, Chabahar city)

Eisa Ebrahimzadeh
Professor in Geography and Urban Planning, University of Sistan and Baluchestan, Zahedan, Iran

Ismail Rahmani [1]
PhD Candidate in Geography and urban planning, University of Sistan and Baluchestan, Zahedan, Iran

Received: 26 May 2023 Revised: 19 September 2023 Accepted: 25 September 2023

Abstract

The theories of urban planning in the 20th century were mainly physical-oriented and failed due to the lack of public participation. In response to this issue, the concept of citizen participation in public decision-making was introduced by planners. This research was conducted with the aim of investigating the role of communication planning in realizing the participation of local communities in Moradabad neighborhood of Chabahar. The data of this descriptive-analytical research were collected using library-documentary methods and field studies (questionnaire and interview). The statistical population of this research consists of the residents of Moradabad neighborhood. The participants were selected using Cochran's formula to complete the 5-point Likert scale questionnaire. In order to analyze the data, one-sample t-test and Pearson's correlation coefficient were used (applying SPSS and ArcGIS software to generate the map). The results of the social participation indicators for the social trust indicator recorded an average of 3.15 (higher than the mean), and the average of effort participation indicator was 3.35, the average of social connection was 3.2, the average of social belonging was 4.1 for the significance level of less than 0.05. The results show that the participation of people and residents in transforming the neighborhood into more livable conditions has had a significant impact. Therefore, since the total of the scales was at a significance level of less than 0.05 and the total average value was 3.43, the final result of this research show a significant relationship between communication planning and social participation in Moradabad neighborhood of Chabahar.

Keywords: Communication Planning, Social Participation, Facilitation, Inefficient Neighborhood, Moradabad, Chabahar.

1. Corresponding author. Email: rahmani.esmail329@gmail.com

https:// doi.org/10.22067/jgrd.2023.82601.1282
مقالهٔ پژوهشی-مطالعه موردی

مجلّهٔ جغرافیا و توسعهٔ ناحیه‌ای، سال بیست و یکم، شمارهٔ ۳، پاییز ۱۴۰۲، شمارهٔ پیاپی ۴۴

تحلیلی بر نقش برنامه‌ریزی ارتباطی در تحقق مشارکت اجتماعات محلی (مطالعهٔ موردی: محلهٔ مرادآباد شهر چابهار)

عیسی ابراهیم‌زاده (استاد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران)
iebrahimzadeh@gmail.com
اسماعیل رحمانی (دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران، نویسنده مسئول)
rahmaniesmail329@gmail.com

صص ۱۳۷ ـ ۱۰۷

چکیده

در اوایل قرن بیستم نظریه‌های شهرسازی به‌طور عمده کالبدمحور بود و موفق‌نشدن برنامه‌ها در رسیدن بـه اهداف این باور را تقویت کرد که فقدان مشارکت‌های مردمی در طراحی، اجرا و ارزیابی طرح‌ها و برنامه‌هـا موجـب ناکـامی آن‌هـا شـده اسـت؛ ازاین‌رو در واکنش به این موضوع، مفهوم مشارکت به‌عنوان دخالـت شـهروندان در تصمیم‌گیری‌های عمومی و برنامه‌ریزی در زمینه‌های مربوط بـه آن در مرکـز توجـه برنامه‌ریزان قرار گرفت؛ بنابراین پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش برنامـه‌ریـزی ارتباطی در تحقق مشارکت اجتماعات محلی محله مرادآبادچابهار انجام شد. پژوهش حاضر به لحاظ نحوه گردآوری داده‌هـا، جـزو تحقیقـات توصـیفی-تحلیلـی بـود و اطلاعات از دو روش کتابخانه‌ای-اسنادی و روش میدانی (پرسـش‌نامه و مصـاحبه) جمع‌آوری شد. ساکنین محله مرادآباد جامعه آماری این پژوهش را تشکیل دادند که

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲ /۰۳/۰۵   تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۶/۲۸   تاریخ تصویب: ۱۴۰۲/۰۷/۰۳

با استفاده از فرمول کوکران ۳۸۵ نفر به‌عنوان حجم نمونه برای تکمیل پرسش‌نامه‌ها در طیف پنج‌گزینه‌ای لیکرت انتخاب شدند. برای تجزیه‌وتحلیل داده‌ها از آزمون‌های تی تک‌نمونه و ضریب همبستگی پیرسون در محیط نرم‌افزار SPSS و برای تولید نقشه از نرم‌افزار ArcGIS بهره گرفته شد. تحلیل حاصل از یافته‌ها در شاخص‌های مشارکت اجتماعی برای شاخص اعتماد اجتماعی با میانگین ۳/۱۵ (بیشتر از حدوسط)، شاخص تشریک مساعی با میانگین ۳/۳۵، ارتباط اجتماعی با میانگین ۳/۲ و تعلق اجتماعی با میانگین ٤/۱ و سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ بیانگر آن است که مشارکت مردم و ساکنین در تبدیل محله به شرایط زیست‌پذیرتر، تأثیردرخورتوجهی داشته است؛ بنابراین با توجه به اینکه مجموع مقیاس‌ها در سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ قرار داشت و مقدار میانگین کل برابر با ۳/٤۳ بود، نتیجه نهایی این پژوهش بیانگر ارتباط معناداری بین برنامه‌ریزی ارتباطی با مشارکت اجتماعی در محله مرادآباد است.

کلیدواژه‌ها: برنامه‌ریزی ارتباطی، مشارکت اجتماعی، تسهیلگری، محلات ناکارآمد، مرادآباد چابهار.

۱. مقدمه

اصولاً تحقق توسعه همه‌جانبه و پایدار به‌عنوان فرایند پیچیده جامع و چندبعدی که به‌جز رشد اقتصادی، همه ابعاد و همه نیروهای یک اجتماع را شامل شده و همه مردم انتظار دخیل‌شدن در آن و منتفع‌شدن از مواهب آن را دارند، مستلزم برنامه‌ریزی اصولی و مؤثری است که در بردارنده فرایند تعاملی میان نیروهای مؤثر و منتفع‌شوندگان از توسعه، رویکرد ترکیبی پایین به بالا و بالا به پایین، نگرش محلی، توانمندسازی وجوشش از پایین جامعه هدف، انتقال دانش، تجربه و مشارکت مؤثر جامعه در فرآیند برنامه‌ریزی توسعه است (راسل، ۱۳۸۱، ص.٦۱). در ابتدای قرن بیستم نظریه‌های شهرسازی به‌طور عمده کالبدمحور بودند و ابعاد دیگر شهر همچون ابعاد اجتماعی و فرهنگی در فرایند برنامه‌ریزی کمتر مدنظر قرار گرفتند (تایلر[1]، ۱۹۹۹، ص. ۱۱؛ رفیعیان و معروفی، ۱۳۹۰)؛ بنابراین در این دوره غالب بودن

1. Taylor

نظریه‌های برنامه‌ریزی مبتنی بـر خردبـاوری صـرف و اعتمـاد بـه علـوم و روش‌هـا علمـی و فن‌گرایی، این دانش را دچار سطحی‌نگری و غفلت از عوامل مختلـف تأثیرگـذار بـر سـاخت شهرها کرده است (مهدیزاده، ۱۳۹۵، ص. ٤٣) و الگوهای نظام شهرسازی به دلیل تأثیرپـذیری از نظریه‌های برنامه‌ریزی دولتی در حوزه‌های اقتصادی و سیاسی، برنامه‌ریزی الگوی متمرکز و آمرانه داشته است (نصیری و همکاران،١٤٠٠، ص. ٦٩٤).

موفق‌نشدن این برنامهها در رسیدن بـه اهداف خود ایـن بـاور را تقویـت کـرد کـه فقـدان مشارکت‌های مردمی در طراحی، اجرا و ارزیابی برنامـه‌ها موجـب ناکـامی آن‌هـا شـده اسـت؛ ازایــن‌رو در واکــنش بــه ایــن موضــوع، مفهــوم مشــارکت بــه‌عنوان دخالــت شــهروندان در تصمیم‌گیری‌های عمومی و برنامه‌ریزی در زمینه‌های مربوط به آن در مرکز توجـه برنامـه‌ریزان قــرار گرفــت (حســین‌زاده و همکــاران، ۱۳۹۱، صــص. ٦٠-٦١) و فراینــدهای تقویت‌کننــده مشارکت مردم، به‌عنوان زمینه اصـلی توسـعه مطـرح شـد؛ زیـرا بـه علــت گســترده شــدن انتظـارات و مسـائل محـیط شـهری، تخصصی شدن، مقیـاس برنامـه‌ریزی، کمبــود زمــان و غیره، از جنبه مشارکت مردمی کاسته شده اسـت. بـه علـت همـین دوری مـردم از طرح‌هـای شـهری، شـهرها تنهـا تبلوری کالبدی از تقاضاهای ظـاهری افـراد شــده‌اند و بــه نیازهــای اصـیل و مهـم آن‌ها نمی‌پردازند (کرمی، ١٣٩٤، ص. ١٥٨)؛ بنابراین در جهـان توسـعه‌یافته، از دهه ١٩٦٠ میلادی برنامه‌ریزی به این سمت گرایش پیدا کرد که فرایند پـایین بـه بـالا را طـی کند. در دهه ۱۹۸۰ و با پدید آمـدن دوران پسـامدرن و تفکـر پسـااثبات، بـاور و شـکل‌گیری احترام و اعتقاد به تفاوت‌های فرهنگی و بومی بـه‌عنوان ارزش، برنامـه‌ریزان شـهری بیشـتر از پیش اعتقاد پیدا کردند که برنامه‌ریزی و اداره شهر باید در فرایند از پایین به بالا ایجـاد شـده و طی شود (شریف‌زادگان و شفیعی، ١٣٩٤، ص.٢٨٣) و برنامه‌ریزان می‌توانند نقـش سـازنده‌ای در میانجی‌گری بین راه‌های مختلف در فرایندهای برنامه‌ریزی ایفا کنند (فورستر، ٢٠١٩).

یکی از مهم‌ترین نظریه‌های برنامه‌ریزی در این دوران به‌عنوان جایگزین، نظریه برنامه‌ریزی ارتباطی و رهیافت‌های مختلف آن بـود. بسـط نظریـهٔ کـنش ارتبـاطی در برنامـه‌ریزی شـهری دیدگاه‌های نوینی را در زمینهٔ توجه به منافع عمومی، تأمین عدالت شهری، ایجـاد فرصـت‌های برابر اجتماعی و اقتصادی، توانمندسازی اقشار محروم شهری، رد تسـلط ابـزاری بـر طبیعـت،

مشارکت مردم، تأکید بر ارتباطات غیرتسلط گرایانه و رد حاکمیت قدرت و پول و به‌طورکلی تأکید بر مفهوم شهروندی به‌جای شهرنشینی و حکمروایی به‌جای حکمرانی موجب شده است (رضاپور و همکاران، ۱۳۹۹، ص. ۹۰). این تئوری با پارادایم‌های مختلف برنامه‌ریزی عقل‌گرایانه، افزایشی و مشارکتی مقایسه شده است تا تفاوت‌ها در نقطه شروع برنامه‌ریزی در اولین سطح انتزاعی روشن شود؛ البته برنامه‌ریزی ارتباطی نه توسط متخصصان به سمت اهداف از پیش تعیین‌شده هدایت می‌شود، آن‌طورکه درمورد برنامه‌ریزی عقل‌گرایانه وجود دارد و نه مانند برنامه‌ریزی افزایشی مذاکره براساس منافع هدایت می‌شود؛ بلکه بر مشارکت عمومی به‌عنوان کمک کننده در شناسایی اهداف و نیز ابزار در برنامه‌ریزی تأکید می‌کند (وستین[1]، ۲۰۲۲، ص.۱۳۳). محققان در برنامه‌ریزی ارتباطی از سنت‌های نظری متفاوتی استفاده می‌کنند، اما علاقه مشترکی به پیش‌برد فرایندهای برنامه‌ریزی دارند؛ چنانکه اخلاق گفتمانی هابرماس (۱۹۸٤) برای ارتباطات باز، تحریف شده و حقیقت‌جویانه است (دموسکی و اولکسی[2]، ۲۰۱۸، صص. ٤-۳).

به‌رغم مشکلات احتمالی در به‌کارگیری نظریه برنامه‌ریزی ارتباطی در زمینه برنامه‌ریزی محلات سکونتگاه‌های غیررسمی، باید گفت برنامه‌ریزی ارتباطی رویکرد اجتماعی ساخت‌گرایانه و رابطه‌ای برای اجرای برنامه‌ریزی است؛ بنابراین از طریق فرایند تعاملی بین ذی‌نفعان در پروژه‌های توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی، می‌تواند به حرکت جامعه به سمت سطح بالاتر عملکرد اجتماعی و محیطی کمک کند (پورمحمدی و خالقی، ۱٤۰۱، ص. ۱٤٤). این پژوهش با هدف سنجش ظرفیت‌های جامعه محلی شهر چابهار برای ارتقای مشارکت از طریق به‌کارگیری رویکرد برنامه‌ریزی ارتباطی انجام شده است و به دنبال پاسخ برای سؤالاتی از جمله این است که «آیا برنامه‌ریزی ارتباطی زمینه و بسترسازی مناسب برای تحقق مشارکت شهروندان است؟» «آیا در محله مرادآباد شهر چابهار برای اجرای طرح توسعه محله (باز گشایی معابر، جانمایی خدمات و غیره) از رویکرد پایین به بالا و ظرفیت مشارکت بهره گرفته شده است؟».

1. Westin
2. Demoski & Oleksy

براساس نتایج سرشماری سال ۱۳۹۵، جمعیت شهر چابهار از رشدی فراتر از رشد جمعیت کشور برخوردار است. این رشد جمعیتی عمدتاً از مهاجرت‌های بیرونی و پیش‌بینی‌نشده‌ای نشئت می‌گیرد که پس از تأسیس منطقه آزاد چابهار و برجسته شدن موضوع توسعه بندر شهید بهشتی گریبانگیر این شهر شده است و جمعیت مهاجر سبب شکل‌گیری محلات بدون برنامه و خلاف طرح جامع شهر شده‌اند. نزدیک به یک دهه است که طرح‌های مطالعاتی زیادی برای ساماندهی این محلات انجام شده است، ولی درعمل میزان تأثیرگذاری ناچیزی داشته‌اند؛ بنابراین در این پژوهش هدف از پی‌جویی برنامه‌ریزی ارتباطی، پیوند برنامه و دانش با عمل و اجرا به‌منظور حل مسئله است.

۲. پیشینه تحقیق

چنانکه در مقدمه اشاره شد، نطفه اولیه نظریه برنامه‌ریزی ارتباطی با نظریه کنش ارتباطی یورگن هابرماس (۱۹۸۰) شکل گرفته است. جان فورستر (۱۹۹۹) با الهام از نظریه هابرماس، تئوری برنامه‌ریزی ارتباطی را مطرح کرد و جودیث اینز (۱۹۹۵) از برنامه‌ریزی ارتباطی به‌عنوان پارادایم جدید صحبت می‌کند. وی به تغییر دیدگاه «از آنچه برنامه‌ریزان باید انجام دهند» به بررسی اینکه «برنامه‌ریزان چه می‌کنند؟» تأکید دارد (هیلی[1]، ۱۹۹۷؛ هیلر[2]، ۲۰۰۲؛ اینز[3]، ۱۹۹۵؛ فورستر[4]، ۱۹۹۹).

براساس بررسی سابقه مطالعات انجام‌شده درخصوص بسط و تفصیل نظریه‌های هابرماس به‌ویژه نظریه کنش ارتباطی، در ایران علیخواه (۱۳۷۸) به‌طور عام در رشته‌های علوم انسانی توضیح داده است و به‌طور خاص در برنامه‌ریزی شهری و روستایی، برای نخستین بار رکن‌الدین افتخاری و بهزادی‌نسب (۱۳۸۳) در پژوهشی با عنوان «برنامه‌ریزی ارتباطی، رویکردی انتقادی به نظریه برنامه‌ریزی، با تأکید بر برنامه‌ریزی توسعه روستایی» به آن پرداخته‌اند. تاکنون پژوهش‌های زیادی در قالب ترجمه کتاب و مقالات توسط سایر

1. Healey
2. Hillier
3. Innes
4. Forester

پژوهشگران (محمدی ماکرانی، ۱۳۸٦؛ عبدی‌پور، ۱۳۸۷؛ رفیعیان و معروفی، ۱۳۹۰؛ مرادی مسیحی و خلج، ۱۳۹۰ و...) صورت گرفته است. این پژوهش‌ها اغلب به لحاظ ماهیت روش‌شناسی کیفی و کمی، گردآوری اطلاعات به‌صورت پرسش‌نامه‌ای و مصاحبه بوده و تجزیه‌وتحلیل گفتمانی و زمینه‌ای استفاده شده است. اینک پژوهش حاضر ضمن بهره‌گیری از مطالعات گذشته، رویکرد مدنظر را با توجه به شرایطی که در چابهار احساس می‌شود و ضعف‌هایی که در زمینه مشارکت و درعمل برنامه‌های توسعه مشاهد می‌شود، به کار گرفته است.

جدول ۱. پیشینه تحقیق

مأخذ: جمع‌بندی دیدگاه‌ها توسط نویسندگان، ۱٤۰۱

پدیدآورنده	یافته‌ها
رکن‌الدین افتخاری و بهزادی‌نسب (۱۳۸۳)	رویکرد ارتباطی در برنامه‌ریزی به دور از کاستی‌های رویکرد عقلایی‌گرایی، واجد ارزش‌های لازم برای تحقق فرایند مطلوب برنامه‌ریزی توسعه روستایی در کشور است. با طراحی الگویی بهینه شاهد نهادینه شدن مشارکت نظام‌مند و مؤثر مردم در عرصه برنامه‌ریزی خواهیم بود.
محمدی ماکرانی (۱۳۸٦)	برنامه‌ریزی ارتباطی در حکم پارادایم جدید برنامه‌ریزی شهری، توانایی خود را در مقایسه با مدل‌های دیگر اثبات کرده است، اما برای کاربردی کردن هر چه بیشتر آن، باید موانع موجود در این مسیر را با اجرای تحقیقات نظری و عملی و با استفاده از نمونه‌های مطالعاتی متعدد شناسایی کرد و در مسیر غنی‌سازی آن گام برداشت.
رفیعیان و معروفی (۱۳۹۰)	ابعاد اجتماعی زندگی شهری در نظریه‌های برنامه‌ریزی شهری به‌ویژه در نظریه‌های نیمه نخست قرن بیستم کمتر مدنظر بوده است. توجه به مباحث اجتماعی از نیمه دوم قرن بیستم به‌طور جدی‌تری در نظریه‌های برنامه‌ریزی شهری گنجانده شده است و در اواخر قرن گذشته به‌طور جدی رویکرد ارتباطی در نظریه‌های برنامه‌ریزی شهری مدنظر قرار گرفت. این رویکرد در حوزه نظری و عملی دارای نقاط قوت و ضعفی است که به تفصیل در مقاله بررسی شده است.
شریف‌زادگان و شفیعی (۱۳۹٤)	ماهیت برنامه‌ریزی ارتباطی امکان به‌کارگیری آن در کشورهای درحال‌توسعه در مقیاس خرد و به‌ویژه نواحی با مشکلات پیچیده فراهم می‌کند.
ایستگلدی و همکاران (۱۳۹٤)	تبیین بر طبق نظریه کنش ارتباطی یورگن هابرماس نشان می‌دهد که آراسته نبودن فضای شهر گرگان با اصول مدنظر نظریه کنش ارتباطی سبب فاصله ارکان اصلی شهر (شهروندان، شورای شهر به‌عنوان نهاد عالی جامعه مدنی و شهرداری به‌عنوان مهم‌ترین نهاد اداره کنندهٔ شهر) از یکدیگر شده است. فضایی که مشخصه اصلی آن ضعف اعتماد است. این فضا مانع مهمی برای تحقق مشارکت در بعد رسمی و نهادی شده است.

پدیدآورنده	یافته‌ها
رضاپور و همکاران (۱۳۹۹)	تغییرات کنش ارتباطی در پایداری شهری و سایر ابعاد آن تأثیر مستقیم و بسیار زیادی دارد و تقویت کنش ارتباطی می‌تواند به افزایش پایداری در شهر تهران منجر شود. نتایج به‌دست‌آمده می‌تواند به‌عنوان چارچوبی مفهومی در طرح‌ها و برنامه‌های شهری به‌منظور ارزیابی و ارتقای کنش ارتباطی و به دنبال‌آن پایداری شهری در اختیار پژوهشگران و برنامه ریزان شهری قرار گیرد.
بو الینگ[1] (۲۰۱۶)	نیروی متقابل برای تحقق برنامه‌ریزی بلندمدت کاملاً ضروری تلقی می‌شود که قادر به مقابله با چالش‌های عظیم، به‌عنوان مثال، تغییرات آب و هوا، مهاجرت جمعیت، توسعه پایدار، و تغییر و ثبات اجتماعی، است. مشارکت عمومی به‌عنوان قدرت متقابل می‌تواند به محتوا و دیدگاه‌های بلندمدت برنامه‌ریزی کمک کند؛ درنتیجه به فعال‌سازی مجدد سیاسی فرایندهای دموکراتیک تصمیم‌گیری که قادر به تقویت پایداری جامعه است، کمک کند.
دامورسکی و اولکسی[2] (۲۰۱۸)	با استخراج هشت اصل مهم (حکومت، پایداری، ارتباطات، مشارکت، تاب آوری، نوآوری، همکاری و هماهنگی)، اهمیت پارادایم ارتباطی و مشارکتی را در گفتمان برنامه‌ریزی جاری در اروپا متوجه شدیم که به‌رغم انتقادها، به‌عنوان یکی از اجزای سازنده اساسی سیاست ارضی اروپا باقی مانده است. اصول برنامه‌ریزی ارتباطی به وضوح در تمام رشته‌های تحلیل‌شده برنامه‌ریزی فضایی در اروپا وجود دارد.
هانا ماتیلا[3] (۲۰۱۸)	روش‌هایی را تحلیل می‌کند که در آن این شیوه حکمرانی یک خط سیر را در ترکیب‌های حاکمیت نئولیبرالیستی فعلی در فنلاند شکل می‌دهد؛ بنابراین مانع تحقق آرمان‌های ارتباطی هابرماسی می‌شود. درنهایت، محقق استدلال می‌کند که صرف‌نظر از این موانع، آرمان‌های هابرماسی همچنان می‌تواند چالشی برای مدیریت مشروعیت سنتی برنامه‌ریزی رفاهی فنلاند باشد.
مارتین وستین[4] (۲۰۲۲)	تجزیه‌وتحلیل داده‌ها نشان می‌دهد، جریان‌های که برنامه‌ریزی ارتباطی فراهم می‌کنند، رویکردهای متمایزی نسبت به قدرت با تمرکز مشترک بر انتقاد از قدرت نامشروع متعارض و توسعه ایده‌هایی برای چگونگی ظهور قدرت توافقی از طریق عاملیت در شیوه‌های خرد برنامه‌ریزی است.

1. Bo Elling
2. Damurski & Oleksy
3. Hanna Mattila
4. Martin Westin

۳. روش‌شناسی تحقیق

این پژوهش با توجه به هدف از نوع تحقیقات کاربردی، به لحاظ نحوه گـردآوری داده‌هـا، جزو تحقیقات توصـیفی-تحلیلـی و ماهیـت تحقیـق، کیفـی و کمـی اسـت. بـرای گـردآوری اطلاعات از دو روش کتابخانه‌ای-اسنادی و روش میدانی (پرسش‌نامه و مصاحبه) استفاده شد. شبکه‌ای از برنامه‌ریزان، مدیران محلی و ساکنین محله جامعه آماری مطالعه حاضـر را تشـکیل دادند. کارشناسان در این مطالعه، افرادی بودند کـه در ادارات و سـازمان‌های مـرتبط بـا امـور شهری (شهرداری، فرمانداری، راه و شهرسازی، سازمان بنادر و منطقه آزاد چابهار) بودنـد کـه پست سازمانی کارشناسی داشتند و همچنـین سـاکنین محلـه موردهـدف بودنـد کـه ۳۵۸ نفـر به‌عنوان نمونه برای مطالعه میدانی و توزیـع پرسـش‌نامه‌ها انتخـاب شـدند. در ایـن پـژوهش، پایایی پرسش‌نامه‌ها یا اعتبارپذیری آن‌هـا بـا اسـتفاده از روش انـدازه‌گیری آلفـای کرونبـاخ از طریق نرم‌افزار SPSS محاسبه شد. پایایی پرسش‌نامه این پژوهش نشان‌دهنده پایای زیاد اسـت (آلفای کرونباخ: ۰/۸۰۵). در پژوهش حاضر بـرای تجزیـه‌وتحلیل داده‌هـای کمّـی از دو روش آمـار توصـیفی (فراوانـی، درصـد فراوانـی، میـانگین و انحـراف معیـار) و آمـار اسـتنباطی (t تک‌نمونه‌ای و همبستگی) و برای تحلیل داده‌های کیفی از تحلیل گفتمان استفاده شد.

جدول ۲. شاخص‌ها و متغیرهای پژوهش

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۱

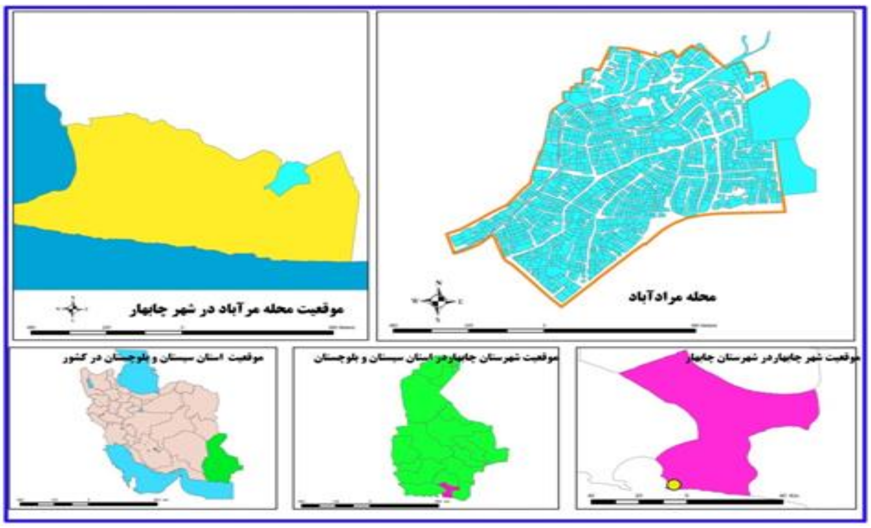
مفهوم	مؤلفه‌ها	گویه‌ها
کنش ارتباطی	فضای شهری	وجود فضای لازم برای ارتباط با دیگران/ حضور اقشار مختلـف از جملـه زنـان و کودکـان در فضـاهای جمعـی/ داشتن آرامش در فضای جمعی/ نبود محدودیت و نبود اجبار نهادهای قدرت هنگام حضور و ارتبـاط بـا دیگـران درفضاهای جمعی/ برخورداری شهر از مراکز فرهنگی و هنری مانند سینما، تئاتر، فرهنگستان، سالن‌های برگـزاری کنسرت، نمایشگاه نقاشی، موزه و مانند آن/ میزان استقبال از مراکز فرهنگی و هنـری در شـهر/ نبود احسـاس محدودیت هنگام حضور در مراکز فرهنگی هنـری ماننـد سالن‌های برگـزاری کنسـرت، تالارهـای نمـایش، نمایشگاه‌های هنری، و مانند آن.

مفهوم	مؤلفه‌ها	گویه‌ها
	عقلانیت ارتباطی	برقراری ارتباط با دیگران بدون توجه به نفع شخصی/ تمایل به مشارکت در امور شهری بدون توجه به نفع شخصی/ تمایل به برقراری ارتباط با دیگران بدون نیرنگ و فریب/ تمایل به رسیدن به تفاهم در ارتباط با دیگران به جای کسب منفعت و اهداف شخصی.
	نگرش انتقادی	فراهم بودن فضا برای انتقاد از وضع موجود/ امکان انتقاد از مقام بالادستی/ آسیب‌نرسیدن به جایگاه شغلی در صورت انتقاد/ داشتن امکان و فرصت دفاع در برابر انتقاد/ تقویت دیدگاه‌های بین فرهنگی.
مشارکت	اعتماد اجتماعی	اعتماد بین خانواده، دوستان، و همکاران/ اعتماد بین هم‌محلی‌ها و همشهریان/ اعتماد به نهادهای عمومی و دولت
	ارتباط اجتماعی	تمایل به گفتمان، مباحثه، و ایجاد مفاهمه و توافق با اعضای خانواده، فامیل، دوستان و همکاران/ تمایل به گفتمان، مباحثه و ایجاد مفاهمه و توافق با هم محله‌ای‌ها و همشهریان/ احساس تعلق‌خاطر به محله و دلتنگی برای محله در صورت اجبار به ترک آن/ امکان تفکر آزادانه، بیان آزادانه، و اظهارنظر اندیشه‌ها/ تمایل به ایجاد ارتباط و توافق بدون زور و خشونت.
	تعلق اجتماعی	احساس مسئولیت و تلاش برای حل مشکلات محله و شهر/ احساس مسئولیت درباره زیرساخت‌ها و امکانات شهری/ احساس مسئولیت درباره بهداشت و زیبایی شهر.
	تشریک مساعی	تمایل به مشارکت و حضور در گفتمان‌های گوناگون دربارهٔ موضوعات عمومی و مذهبی (هیئت‌ها، انجمن‌ها و غیره)، تمایل به مشارکت با شوراهای محله، احزاب سیاسی و انجمن‌های علمی و فرهنگی.

۳. ۱. محدوده موردمطالعه

شهرستان چابهار با مساحتی حدود ۱۳۱۶۲ کیلومتر مربع در منتهی الیه جنوب شرقی ایران در کنار آب‌های گرم دریای عمان و اقیانوس هند قرار گرفته است. این شهرستان شامل سه بخش است که شهر چابهار در منتهی الیه جنوب غربی بخش مرکزی آن قرار گرفته است. از نظر مختصات جغرافیایی، شهر چابهار در ۲۵ درجه و ۱۷ دقیقه عرض شمالی و ۶۰ درجه و ۳۷ دقیقه طول شرقی واقع شده است. این شهرستان از شمال به سرباز و نیک‌شهر، از غرب به کنارک، از جنوب به دریای عمان و از شرق به دشتیاری محدود می‌شو؛ به‌طوری‌که ۱۸/۵ کیلومتر خط ساحلی با دریای عمان دارد. این شهر بندری با توجه به موقعیت قرارگیری آن در

کنار آب‌های دریای عمان و ایجاد بندر و استقرار منطقه آزاد تجاری–صنعتی در چابهار، از اهمیت بسیار زیاد بازرگانی و ترانزیتی نیز برخوردار است؛ به‌طوری‌که نزدیک‌ترین راه دسترسی کشورهای محصور در خشکی آسیای مرکزی (ترکمنستان، ازبکستان، تاجیکستان، قرقیزستان و قزاقستان) و افغانستان به آب‌های آزاد است. مساحت شهر چابهار ۲۳۰۰ هکتار است (مهندسین مشاور پیراوش معمار، ۱۳۸۹). براساس آخرین سرشماری در سال ۱۳۹۵، جمعیت شهر چابهار ۱۰٦۷۳۹ هزار نفر و ۲۵۸۹٦ خانوار بود (سرشماری نفوس و مسکن،۱۳۹۵). درواقع محله مرادآباد با ٤۳ هکتار وسعت یکی از محلات حاشیه‌نشین شهر چابهار است. این محله در شرق شهر چابهار و در اراضی دولتی شکل گرفته است. براساس نتایج احصاءشده از طرح تمام‌شماری در سال ۱۳۹۷، جمعیت محله مرادآباد ۵۳۳۰ نفر است که در قالب ۱۱۲۹ خانوار با بعد خانوار ٤/۷ نفر در در این محله سکونت دارند. براساس طرح تمام‌شماری و نمونه‌گیری از مجموع خانوارها، ۱۰۰۳ خانوار دارای سرپرست مرد و ۱۲٦ خانوار (۲/۱۱ درصد) دارای سرپرست زن است (دفتر توسعه محله مرادآباد، ۱٤۰۰).



شکل ۱. موقعیت محله مرادآباد در شهرستان چابهار، استان سیستان و بلوچستان و کشور

مأخذ: ترسیم نویسندگان، ۱٤۰۱

۳. ۱. ۱. کاربری زمین در محله

براساس برداشت کالبدی دفتر تسهیل‌گری و توسعه محلی مرادآباد مجموع کاربریهای محله بدون احتساب شبکه معابر ۳٤/۷ هکتار است. کاربری مسکونی با ۷٤/٤ درصد از کل مساحت محله بیشترین میزان را به خود اختصاص داده است. در محله مرادآباد به غیر از کاربری‌های مسکونی و تجاری-خدماتی، در سایر کاربری‌های آموزشی، درمانی، مذهبی و تأسیسات شهری شاهد کمبود سرانه‌های خدماتی نسبت به حداقل سرانه معیار شورای عالی شهرسازی و معماری در این محله هستیم. کاربری‌های پارک و فضای سبز، فرهنگی-هنری و اداری- انتظامی در این محله وجود ندارد و محله فاقد هرگونه فضای تفریحی و گذران اوقات‌فراغت است.

جدول ۳. کاربری اراضی محله مرادآباد

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱٤۰۱

	مسکونی	تجاری	آموزشی	درمانی	مذهبی	تأسیسات
مساحت	۲۵۸۸۸۱	۲۰۵۹۳	٤۰۵۳	۵۳۷	۱۲۵۰	۹۹۸
سرانه موجود	۷٤/٤	۳/۹	۰/۸	۰/۱	۰/۲	۰/۲
سرانه استاندارد	٤۰	۲/۵	۲-۵	۱-۱/۵	۰/۲-۰/۵	۱-۲



شکل ۲. نقشه کاربری اراضی محله مرادآباد

مأخذ: ترسیم نویسندگان، ۱٤۰۱

٤. مبانی نظری تحقیق

٤. ۱. رهیافت برنامه‌ریزی ارتباطی

مهم‌ترین منبع فکری و فلسفی نظریه برنامه‌ریزی اتباطی در شهرسازی در نظریه‌های یورگن هابرماس، فیلسوف آلمانی، و متعلق به مکتب انتقادی فرانکفورت ریشه دارد (مرادی مسیحی و خلج، ۱۳۸۹، ص. ۲۷). یورگن هابرماس نظریه خود را برای اولین بار در دهه ۱۹۸۰ در کتابی با عنوان *نظریه کنش ارتباطی* مطرح کرد و معتقد است تمدن بشری توانایی گریز از خودبیگانگی و سایر تبعات جامعه صنعتی را دارد. وی این موفقیت را در ارتباط جست‌وجو می‌کند و شاه کلید آن را کنش ارتباطی انسان می‌داند. همچنین وجود عرصه عمومی یا حوزه عمومی شهروندان را عامل پایداری این کنش می‌داند (رفیعیان و معروفی،۱۳۹۰، ص. ۱۱۵). این نظریه بر آن است تا با فاصله گرفتن از رویکردهای خردگرایانه و فردباورانه دهه‌های پیشین، روزنه‌ای به سوی رویکرد اجتماع‌محور باشد که از فرایندهای پایین به بالا با تأکید بر مقیاس محلی در برنامه‌ریزی استفاده می‌کند. درواقع نظریه

برنامه‌ریزی ارتباطی بر پایه اندیشه اندیشمندانی قراردارد که ضمن انتقاد از برنامه‌ریزی خردگرا (برنامه‌ریزی عقلانی از بالا به پایین) بر رویکرد عقلانیت ارتباطی هابرماس تأکید می‌کند (مشفقی و پرتوی، ۱۳۹۵، ص. ۲، به نقل از عبدی‌پور، ۱۳۷۸، ص. ٤٤٦). در این نظریه، ایده اصلی این است که برنامه‌ریزی می‌تواند از طریق به‌کارگیری افزایش کیفیت و کمیت ارتباط بین بازیگران مانند برنامه‌ریزان، سیاسی‌ها و نمایندگان بخش خصوصی دموکراتیک‌تر باشد (ماتیلا[1]، ۲۰۲۰، ص. ۳). یکی از مفروضات زیربنایی این نظریه آن است که مشروعیت برنامه‌ریزی را می‌توان با استفاده از روش‌های برنامه‌ریزی مبتنی بر مشورت عمومی، فراگیر، عقلانی و توافقی افزایش داد. هیلی (۱۹۹۷) نکته درخورتوجهی را بیان می‌کند و آن اینکه روش‌های عقلانی و فنی در این رویکرد کنار نمی‌روند؛ بلکه با شناختی عمیق از بسترهای اجتماعی و رویکرد تعاملی-مشارکتی توسعه می‌یابند (هاشم‌پور و همکاران، ۱۳۹۲، ص. ۷؛ به نقل ازهیلی، ۱۹۹۷). ابنز (۱۹۹۵) تصریح می کند که برنامه‌ریزی ارتباطی بیشتر به دنبال روش‌های پژوهش کیفی و تفسیری است تا روش‌های قیاسی و منطقی؛ همچنین به جای عمومیت بخشیدن به همه گزاره‌ها، خواهان درک خاص و مبتنی بر زمینه هستند (شفیعی، ۱۳۹۰، ص.۳۰، به نقل از اینز، ۱۹۹۵).

٤. ۲. مشارکت و برنامه‌ریزی ارتباطی

مشارکت، فرایندی سیستماتیک است که طی آن شهروندان، توسعه‌دهندگان، کارشناسان مختلف، مقامات و سازمان‌های غیردولتی تجربیات، دانش و نظرهای خود را به‌منظور تهیه برنامه اقدام مشترک به اشتراک می‌گذارند. این یک ویژگی متمایز از حکومت معاصر است (بو[2]، ۲۰۱٦، ص. ۲۲٦). برنامه‌ریزی مشارکتی حاصل درهم‌تنیدگی دو نگرش متمایز نظری یعنی جامعه‌شناسی نهادگرا و جغرافیای اقتصادی منطقه‌ای است. درواقع این رویکردهای نظری مبنایی در برنامه‌ریزی ارتباطی هستند که به اعتباری، سبک‌ها و رویکردهای تحلیلی درباره فضا در برنامه‌ریزی را تدارک می‌بینند (آلمندینگر، ۱۳۸۹، ص. ٦۲). برنامه‌ریزی مشارکتی و کنش ارتباطی را نوعی واکنش نظری

---

1. Mattila
2. BO

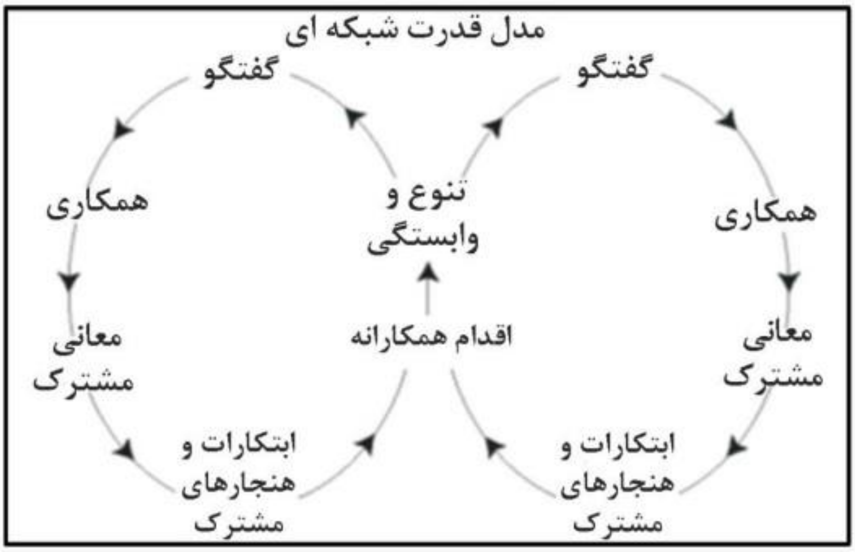
بـه رویکرد فن‌سالارانه در سیاست‌گذاری عمومـی در فضا و واکنـش بـه دریافت و تحلیل‌های پوزیتیویسـتی از مسائل شهری و نبودِ زمینـه حضور و مشارکت ذی‌نفعان در فرایند تصمیم‌گیری‌های مرتبط با امور زندگی می‌توان تلقی کرد (یزدانیان و کشت‌کار، ۱۳۹۵، ص. ١٦٦). پیروان نظریه کنش ارتباطی توجه خود را بـر ضـرورت اداره مردمـی شـهرها و حمایت از مشارکت بـه دور از صورت‌گرایی و حضور فعال تمام افراد جامعه در فضای عمومی معطوف کرده‌اند و در پی ایجاد زمینه‌ها و یافتن الگوهای مشارکتی و رفتاری مناسب بـا این زمینه حضور هستنـد. لازمه شـکل‌گیری جریان مشارکت شهروندان در مسائل شـهری به مثابه افرادی کـه نسبت بـه فضا حق دارنـد، قبل از هرچیز، وجود بستری برای حضور و امکان تأثیرگذاری است. از مسائل توجـه‌شده و موضوعات مهم درباره مشـارکت و نیـز آسیب‌شناسـی، میزان و چگونگی تحقـق آن در جامعه شهری ایران، فقدان حـوزه عمومی و از منظری دیگـر، حاکمیت حوزه حکومتی بر دیگر حوزه‌های موجود در جامعه است (علیخواه، ۱۳۸۷، ص. ١١٤).

٤. ۳. برنامه‌ریزی ارتباطی، شبکه روابط و مشارکت

نهادهای برنامه‌ریزی ارتباطی شبکه‌هایی ایجاد می‌کنند که می‌توانند سرمایه اجتماعی تولیـد کنند (اولسون[1]، ۲۰۰۹، ص.۲۷۰). در تعریف هیلیر، شبکه‌ها، زنجیره‌هایی پیوندی هستند که از طریق آن‌هـا مـردم می‌تواننـد بـه منـابع مـادی و دانـش و قـدرت دسـت یابنـد. ظرفیت‌هـا و سرمایه‌های نهادی کـه توسـط چنـین شـبکه‌هایی تولیـد می‌شـود، شـامل تـوان‌هـای جمعـی، ارتباطات، اتحادها و ائتلاف‌های کنشگران است که متأثر از زمینه‌ها و عرصـه‌هایی‌اند کـه ایـن کنشگران دور هم آمده‌اند (شفیعی و خیابانی، ۱۳۹۰، ص. ٣٤، به نقل از هیلر، ۲۰۰۳). درواقـع فرایندهای خوب مشارکت عمومی، شبکه‌ای را فراهم می‌آورد که می‌تواند همکاری و همیاری بین شـرکت‌کنندگان و ذی‌نفعـان متنـوع در جامعـه را افـزایش دهـد؛ به‌طوری‌کـه فراینـدهای همکارانه به شرکت‌کنندگان در تعریف اهداف موردقبول دو طرف که منجر به اجرای بهترشـان می‌شـود، کمـک می‌کنـد (ساسـمان[2]، ۲۰۱۲، ص. ٤٥). هـدف از دسـتیابی بـه تفـاهم میـان

1. Olsson
2. Sussmann

مشارکت‌کنندگان، ایجاد تعادل میان قدرت‌ها است و دیدگاه شبکه‌ای به پخشایش قدرت در ساختارهای اجتماعی و درنتیجه کاهش سلسله‌مراتب میان ساختارها و یکسان شدن قدرت میان آن‌ها منجر می‌شود؛ قدرت در جایی که اطلاعات تمرکزگرا نیست و به‌واسطه همکاری و ارتباط از رونق می‌افتد و شبکه در یک اجتماع محلی یا زمینه سیاسی محلی ایجاد می‌شود (کریمی،۱۳۹۱، صص. ۹۹-۱۰۰).



شکل ۳. مدل قدرت شبکه‌ای

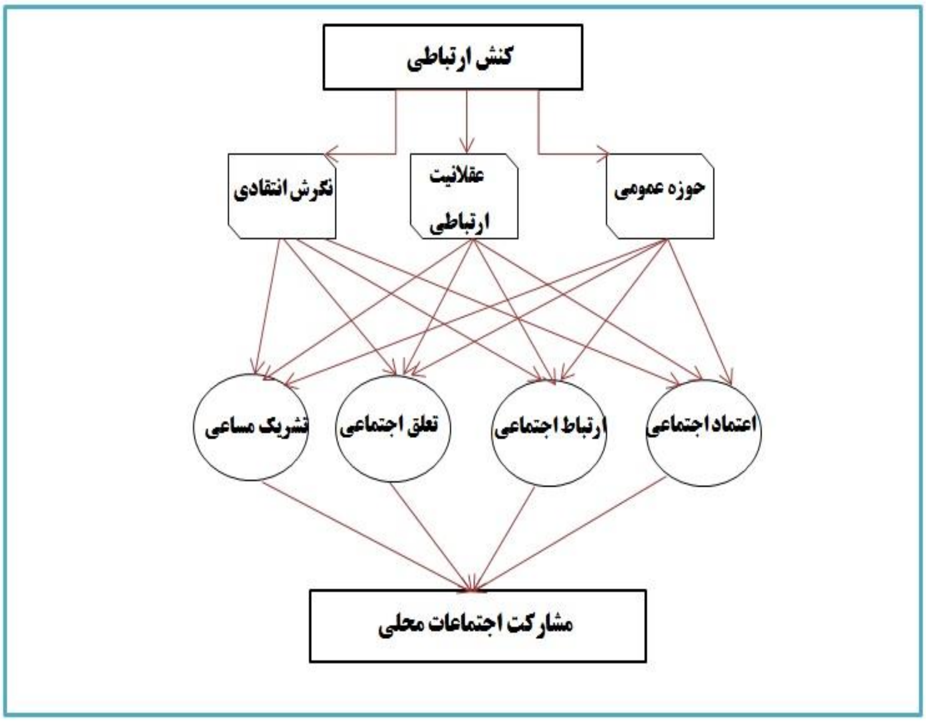
مأخذ: اینز و بوهر[1]، ۲۰۰۲، ص. ۲۵

٤. ٤. حوزه عمومی و برنامه‌ریزی ارتباطی

زندگی اجتماعی مستلزم درگیری فعال ما انسان‌ها در فضاهای زیسته است (کالهون، ۲۰۰۷، ص. ۷۱۱). از نظر هابرماس، برای رسیدن به وفاق اجتماعی به حوزه عمومی نیاز داریم که در آن انسان‌ها بتوانند آزادانه، خردمندانه و دور از هر نوع سلطه (زر و زور و تزویر) به گفت‌وگو بپردازند و در روابط خود تصمیم بگیرند (بهرامی،۱۳۸۱، ص. ۲۷). به نظر هابرماس، حوزه عمومی، قلمروی از زندگی اجتماعی است که در آن هر عاملی که بتواند افکار عمومی

1. Innes&Booher

را به هم نزدیک کند، مجال شکل‌گیری می‌یابد (کریمی،۱۳۹۱، ص. ٤٤). در ارتباط با ظرفیت‌های حوزه عمومی می‌توان از امکان‌هایی سخن گفت که در جریانِ فضا قراردادن افراد را بـــه شکلی گفت‌وگومحور برای دربرگیری گروه‌ها و افرادی که از بافت تأثیر می‌گیرند، فراهم می‌آورد و به‌جای سرکوب و تعارض از آن‌ها در فضا اســـتقبال می‌کند. در ارتباط با عمومیـت و چگونگی حضور فرد به‌مثابـــه سوژه و عامل در فضا، بن‌حبیـــب میان فضای انجمنی به‌مثابه فضایی که در آن افراد کنار یکدیگر به‌طور دسته‌جمعی کار می‌کنند و فضای آگونیســـتیک و افتراقی که فضای رقابتی اســـت و حضور در آن به‌مثابه رقابت برای از آنِ خود کردن فضا تلقی‌کردن می‌شود، تفاوت می‌گذارد (آلمندینگر، ۱۳۸۹، ص. ۱۱۱).



شکل ٤. مدل مفهومی پژوهش

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱٤۰۱

۵. یافته‌های تحقیق

براساس داده‌های توصیفی حاصل از بررسی‌های میدانی، یافته‌های نشان می‌دهد از تعداد ۳۵۸ پاسخ‌دهنده (عمدتاً سرپرست خانوار) ۷۱/۲ درصد مرد و ۲۸/۸ درصد زن بودند. میانگین سنی پاسخ‌دهندگان حدود ۳۸ سال با ٤٥/٦ درصد بود که و از مجموع آن‌ها ۷۸/٤ درصد متأهل و ۲۱/٦ درصد مجرد بودند. بیشترین تحصیلات، لیسانس و دیپلم با ۵۳/۱ درصد، شغل بیشتر افراد، آزاد با ۵۹/۵ درصد، میانگین سکونت در محل بیش از ۱۰ سال (۱۳/۲) و بیشترین دلیل سکونت در محله قوم و خویش بودن با ۵۱/۲ درصد، حس تعلق به محله ٦١/۳ درصد و ملک موروثی و ساکت و دنج بودن با ۳/۱ درصد حاصل شد.

۵. ۱. وضعیت شاخص کنش ارتباطی برای تحقق مشارکت در محله مرادآباد

براساس یافته‌های میدانی، وضعیت مؤلفه‌های کنش ارتباطی در محله مرادآباد شهر چابهار که در جدول ٤ ذکر شده است و در آن امتیازدهی گویه‌ها براساس طیف لیکرت (۱ حداقل و ۵ حداکثر) و امتیاز کمتر گویای کنش ارتباطی پایین و برعکس است، سطح نگرش مردم به مؤلفه‌های کنش ارتباطی ساکنین محله مرادآباد به‌جز گویه‌های مؤلفه عقلانیت ارتباطی که میانگین بیشتر از حد متوسط (۳) است، میانگین گویه‌های دو مؤلفه فضای شهری و نگرش انتقادی کمتر از حد متوسط (۳) است. در این محله وجود فضای لازم برای ارتباط با دیگران (۲/۷)، برخورداری شهر از مراکز فرهنگی و هنری (۲/۵) و احساس محدودیت هنگام حضور در مراکز فرهنگی (۲/۸)، از مؤلفه‌های شاخص فضای شهری هستند که حاکی از این واقعیت است که وضعیت این متغیرها رضایت ساکنان را در پی نداشته است. درعین‌حال در این محله تمایل به مشارکت در امور شهری بدون توجه به نفع شخصی (۳)، تمایل به برقراری ارتباط با دیگران بدون نیرنگ و فریب (۳/۱) و تمایل به رسیدن به تفاهم در ارتباط با دیگران به‌جای کسب منفعت و اهداف شخصی (۳/۲) بوده است که بیان می‌کند وضعیت نگرش ساکنین به شاخص عقلانیت ارتباطی محله مرادآباد در حد متوسط رو به زیاد است. وضعیت گویه‌های نگرش انتقادی، میانگین فراهم بودن فضا برای انتقاد از وضع موجود

(۲/۹)، امکان انتقاد از مقام بالادستی (۲/۲)، آسیب نرسیدن به جایگاه شغلی در صورت انتقاد (۲/۵) و داشتن امکان و فرصت دفاع در برابر انتقاد (۲/۷) است.

با توجه به اینکه برای بررسی معناداری شاخص‌ها از آزمون تی تک‌نمونه‌ای استفاده شد، نتایج حاصل در میان شاخص‌های بررسی‌شده، شاخص فضای شهری با مقدار T ۰/۷۳۷- و میانگین ۲/۹۷ (کمتر از حدوسط)، با سطح معناداری کمتر از ۰۵/ ۰ در وضعیت نامناسبی قرار دارد. شاخص عقلانیت ارتباطی در وضعیت نسبتاً مناسبی بوده و با T ۲/٦۷۵ و میانگین شاخص بیشتر از حد ملاک و معادل ۲/ ۳ بوده است، اما مجدداً شاخص نگرش انتقادی دارای وضعیت نامناسب با T ۰/۲۲۸- و میانگین ۲/۹۸ بوده است؛ بنابراین به‌طورکلی و با توجه به نتایج مجموع مقیاس که در سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ قرار دارد، می‌توان نتیجه گرفت که نتایج حاصل از شاخص‌های کنش ارتباطی نتوانسته است زمینه‌های لازم را برای بهبود شاخص‌های توسعه محله فراهم کند.

جدول ٤. میانگین حاصل از آزمون t تک‌نمونه‌ای شاخص‌های کنش ارتباطی

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱٤۰۱

سؤالات	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	انحراف از میانگین خطا
وجود فضای لازم برای ارتباط با دیگران	۳۵۸	۲/۷	۰/۵۰٦	۰/۰٦۲
برخورداری شهر از مراکز فرهنگی و هنری مانند سینما	۳۵۸	۲/۵	۰/۳۲۹	۰/۰٦٦
احساس محدودیت به هنگام حضور در مراکز فرهنگی هنری	۳۵۸	۲/۸۸	۰/٤۹۱	۰/۰٥٤
برقراری ارتباط با دیگران بدون توجه به نفع شخصی	۳۵۸	۲/۹۲	۰/۳٦۳	۰/۰۵۸
تمایل به مشارکت در امور شهری بدون توجه به نفع شخصی	۳۵۸	۳	۰/۳۲۷	۰/۰۷۱
تمایل به برقراری ارتباط با دیگران بدون نیرنگ و فریب	۳۵۸	۳/۱	۰/٤۱۷	۰/۰۵۳
تمایل به رسیدن به تفاهم در ارتباط با دیگران به‌جای کسب منفعت و اهداف شخصی	۳۵۸	۳/۲	۰/٤۸۳	۰/۰۵۹
فراهم بودن فضا برای انتقاد از وضع موجود	۳۵۸	۲/۹	۰/۵۷۵	۰/۰٦۱
امکان انتقاد از مقام بالادستی	۳۵۸	۲/۲٤	۰/۳۹۸	۰/۰٤۸
آسیب‌نرسیدن به جایگاه شغلی در صورت انتقاد	۳۵۸	۲/۵٦	۰/۵۱۲	۰/۰٦٤
داشتن امکان و فرصت دفاع در برابر انتقاد	۳۵۸	۲/۷۱	۰/۵۸۰	۰/۰۵۲

جدول ۵. وضعیت شاخص‌های کنش ارتباطی ساکنین محله مرادآباد

	T	درجه آزادی	سطح معناداری	اختلاف از میانگین	سطح اطمینان ۹۵ درصد		میانگین
					حد پایین	حدبالا	
فضای شهری	۰/۷۳۷−	۳۵۷	۰/۰۰	۰/۰۲۸−	۰/۰٤۷	۰/۱۰۳−	۲/۹۷
عقلانیت ارتباطی	۲/٦۷٥	۳۵۷	۰/۰۱	۰/۰۸٤−	۰/۰۱٥	۰/۱۸٥−	۳/۲
نگرش انتقادی	۰/۲۲۸−	۳۵۷	۰/۰۳	۰/۰۱۰−	۰/۰۸۳	۰/۱۰٥−	۲/۹۸

۵. ۲. وضعیت شاخص‌های مشارکت ساکنین محله مرادآباد

بررسی وضعیت مؤلفه‌های مشارکت در جدول ٦ برای محله مرادآباد شهر چابهار آورده شده است. امتیازدهی گویه‌ها براساس طیف لیکرت (۱ حداقل و ۵ حداکثر) است و امتیاز کمتر نشان‌دهنده مشارکت کم و برعکس است. یافته‌های پژوهش گویای آن است که سنجش نگرش مردم به مؤلفه‌های مشارکت ساکنین محله مرادآباد در چهار مؤلفه سنجش‌شده، میانگین بیشتر از حد متوسط (۳) است. بالاترین میانگین به مؤلفه تشریک مساعی (٤/۱) و کمترین میانگین به اعتماد اجتماعی (۳) مربوط است. در محله مرادآباد، کمترین اعتماد به نهادهای عمومی و دولتی (شهرداری و شورای شهر) (۲/۸) و بیشترین اعتماد بین خانواده، دوستان و همکاران (۳/۳) از مؤلفه‌های اعتماد اجتماعی هستند که حاکی از این واقعیت است که وضعیت این متغیرها به‌جز اعتماد به نهادهای دولتی در وضعیت مطلوب است. درعین‌حال در این محله وضعیت گویه‌های مؤلفه ارتباطی اجتماعی بیانگر این است که تمایل به ایجاد ارتباط و توافق بدون زور و خشونت (۳/۸) بیشترین میانگین و گویه امکان تفکر آزادانه، بیان آزادانه و اظهارنظر اندیشه‌ها در محله و شهر (۳/۲)، کمترین میانگین را دارد. در وضعیت گویه‌های تشریک مساعی، تمایل به مشارکت با برنامه‌ریزان و تسهیل‌گران در جانمایی کاربری خدماتی محله (آموزشی، بهداشتی و فضای سبز) (٤/۳) و تمایل به مشارکت با برنامه‌ریزان و تسهیل‌گران در اجرای تعریض خیابان و عقب‌نشینی ساخت‌وسازها (٤/۱)، بیشترین میانگین بوده و احساس مسئولیت درباره رعایت بهداشت و نگهداری زیبایی شهر (۳/۲) و احساس مسئولیت و تلاش برای حل مشکلات محله و شهر (۳/۳) است.

جدول ۶. میانگین حاصل از آزمون t تک‌نمونه‌ای شاخص مشارکت

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۱

سؤالات	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	انحراف از میانگین خطا
اعتماد بین خانواده، دوستان، و همکاران	۳۵۸	۳/۳۰	۰/۳۹۵	۰/۰۵۴
اعتماد بین هم محلی‌ها و همشـهریان	۳۵۸	۳/۱	۰/۴۵۳	۰/۰۶۳
اعتمـاد بـه نهادهـای عمـومی و دولتی (شهرداری و شورای شهر)	۳۵۸	۲/۸۰	۰/۶۲۳	۰/۰۵۰
تمایل به گفتمان، مباحثه، و ایجاد مفاهمه و توافق با اعضای خانواده، فامیـل، دوسـتان، و همکـاران	۳۵۸	۳/۵	۰/۵۳۶	۰/۰۷۵
تمایـل بـه گفتمان، مباحثه، و ایجاد مفاهمه و توافق با هم محله‌ای‌ها و همشهریان	۳۵۸	۳/۲	۰/۵۰۹	۰/۰۶۴
احساس تعلق خاطر به محلـه و دلتنگـی برای محله در صورت اجبار به ترک آن	۳۵۸	۳/۳	۰/۴۹۲	۰/۰۵۵
امکان تفکر آزادانه، بیان آزادانه، و اظهارنظر اندیشه‌ها در محله و شهر	۳۵۸	۳/۲	۰/۵۱۵	۰/۰۵
تمایـل بـه ایجـاد ارتباط و توافق بدون زور و خشونت	۳۵۸	۳/۸۴	۰/۴۶۸	۰/۰۷۳
احساس مسئولیت و تلاش برای حل مشکلات محله و شهر	۳۵۸	۳/۳	۰/۵۳۱	۰/۰۷۴
احساس مسئولیت درباره محافظت از زیرساخت‌ها و امکانـات شهری	۳۵۸	۳/۷	۰/۴۰۲	۰/۰۷۰
احساس مسئولیت درباره رعایت بهداشت و نگهداری زیبایی شهر	۳۵۸	۳/۲۲	۰/۳۷۰	۰/۰۵۳
تمایل به مشارکت با برنامه‌ریزان و تسهیلگ‌ران در اجرای تعریض خیابان و عقب‌نشینی ساخت‌وسازها	۳۵۸	۴/۱	۰/۲۸۶	۰/۰۶۱
تمایل به مشارکت با برنامه‌ریزان و تسهیل‌گران در جانمایی کاربرخدماتی محله (آموزشی، بهداشتی و فضای سبز)	۳۵۸	۴/۳	۰/۳۶۱	۰/۰۵۹
تمایل به مشارکت و حضور در گفتمان‌های گوناگون دربارهٔ موضوعات عمومی و مذهبی (هیئت‌ها، انجمـن‌هـا و...)	۳۵۸	۳/۸	۰/۴۷۲	۰/۰۵۷
تمایل به مشارکت با شوراهای محله، احزاب سیاسی، و انجمن‌های علمی و فرهنگی	۳۵۸	۳/۵	۰/۴۴۸	۰/۰۵۰

جدول ۷. معناداری آزمون t تک‌نمونه‌ای شاخص‌های مشارکت

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۱

شاخص	T	درجه آزادی	سطح معناداری	اختلاف از میانگین	سطح اطمینان ۹۵ درصد		میانگین
					حد پایین	حدبالا	
اعتماد اجتماعی	۱/۱۹۹	۳۵۷	۰/۰۳	۰/۱۵٦	۰/۳۱۸	-۰/۰۰۵	۳/۱۵
ارتباط اجتماعی	۲/۱۵٦	۳۵۷	۰/۰۳	-۰/۱٤۷	۰/۱۰۵	-۰/٤۰۱	۳/۳۵
تعلق اجتماعی	۱/۱۸۹	۳۵۷	۰/۰۱	-۰/۱۵٦	۰/۱۰٤	-۰/٤۱۷	۳/۲
تشریک مساعی	۳/۷۷۱	۳۵۷	۰/۰۰	۰/۲۱۷	۰/٤٦۰	-/۰۲۵	٤/۱

در این قسمت که شاخص‌های مشارکت ساکنین محله مراد آباد سنجش و تحلیل شده است، برای بررسی معناداری شاخص‌ها از آزمون تی تک‌نمونه‌ای استفاده شد. نتایج آزمون تی تک‌نمونه‌ای برای شاخص اعتماد اجتماعی با مقدار T ۱/۹۹۹ و میانگین ۳/۱۵ (بیشتر از حدوسط) در سطح معناداری کمتر از ۰۵/ ۰ قرار دارد. بررسی میانگین سه شاخص دیگر نشان می‌دهد که شاخص تشریک مساعی در وضعیت بسیار خوبی بوده است؛ چراکه بیشترین میانگین گزارش شده و اختلاف میانگین این شاخص بیشتر از حد ملاک ٤/۱ بوده است. همچنین مقدار T گزارش‌شده آن ۳/۷۷۱ و حد بالا و پایین آزمون نیز این موضوع را تأیید می‌کند. دو شاخص دیگر یعنی ارتباط اجتماعی و تعلق اجتماعی که در مشاکت ساکنین برای تبدیل محله به شرایط زیست‌پذیرتر تأثیر درخورتوجهی دارند، دارای میانگین بیشتر از حد متوسط و سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ است؛ بنابراین با توجه به نتایج مجموع مقیاس که در سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ قرار دارد و مقدار میانگین کل چهار شاخص که برابر با ۳/٤۳ است، می‌توان نتیجه گرفت که شاخص‌های مشارکت توانسته‌اند زمینه‌های لازم را برای بهبود شاخص‌های توسعه محله فراهم کنند.

علاوه بر این، برای پی بردن به میزان همبستگی و ارتباط شاخص‌ها با یکدیگر، از آزمون آماری پیرسون استفاده شد که درنتیجه، ارتباط همبسته غالب شاخص‌ها با یکدیگر و همچنین بالابودن سطح معناداری شاخص‌ها و همبستگی مثبت آن‌ها به دست آمد. این تحلیل آماری نشان می‌دهد که پاسخ افراد به سؤالات، اول اینکه نه به‌صورت تصادفی، بلکه

با فکـر و اندیشه بوده است، دوم اینکه شاخص‌ها با یکدیگر در ارتباط همبسته‌اند و افزایش یا کـاهش یک شاخص بر افزایش یا کاهش میزان و مقدار شاخص دیگـر تأثیرگـذار است. برای شناسایی رابطهٔ بین کنش ارتباطی با مشـارکت شـهروندان نیـز از آزمـون همبسـتگی پیرسـون استفاده شد. نتایج نشان می‌دهد که بـا سـطح اطمینـان ۰/۰۰ درصـد معنـادار اسـت و ضـریب پیرسون این رابطه درمورد محله مرادآباد برابر با ۰/۶۵۲ بوده که نشان‌دهندهٔ همبستگی زیاد بین این دو مفهوم است؛ به‌عبارتی کاهش یا افزایش کنش ارتباطی بر مشارکت شهروندان این شـهر تأثیر مستقیم و بسیار زیادی دارد. در این پژوهش ارتباط بین کـنش ارتبـاطی و ابعـاد مختلـف مشارکت نیز ارزیابی شد و رابطهٔ بین کنش ارتباطی با ابعاد اعتماد اجتماعی، ارتباط اجتمـاعی، تعلق اجتماعی و تشریک مساعی با آزمون همبستگی پیرسون سنجیده شد. نتایج نشان می‌دهـد که رابطهٔ بین کنش ارتباطی با همهٔ ابعاد پایداری در سطح اطمینان ۰/۰۲ درصد معنادار است.

جدول ۸. تحلیل استنباطی ارتباط کنش ارتباطی و مشاکت شهروندان محله مرادآباد

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۱

		مشارکت شهروندان
کنش ارتباطی	ضریب همبستگی	۰/۶۵۲
	سطح معناداری	۰/۰۲

۵. ۳. پیوند برنامه و اجرا برای عملیاتی‌کردن برنامه‌ریزی ارتباطی

اصولاً برنامه‌ریزی ارتباطی به دنبال پیوند برنامه و دانش با عمل و اجرا است. بـا توجـه بـه اینکه تاکنون با بیان مبانی نظری و بررسی چگونگی ابعاد کنش ارتباطی در این محله، مشخص شد که شاخص‌ها و مؤلفه‌های برنامه‌ریزی ارتباطی با توجه به سنجش نگرش ساکنین محدوده موردمطالعـه بـر مشـارکت شـهروندان تأثیرگـذار اسـت، در ادامـه درپـی چگـونگی و میـزان اجرایی‌شدن شاخص‌های بیان‌شده در واقعیت و محدوده موردمطالعه هستیم. با توجه به اینکـه دفاتر تسهیل‌گری با ورود به جامعه محلی به تنظیم رابطه شـفاف، درسـت و واقعـی بـا اهـالی محله برقرار کرده‌اند، این مهم‌ترین و اساسی‌ترین اقدام در راستای جلب مشارکت اهالی محلـه محسوب می‌شود؛ به‌طوری‌که در ارتباط‌گیری با اهالی، افراد اثرگذار و معتمـد محلـه شناسـایی

شدند. این افراد به نحوی بر امور محله اثر گذارند و اهالی محل و همسایه‌ها از تلاش‌های آن‌ها استفاده می‌برند و حرف‌شنوی دارند. اینک ما نیز در پژوهش حاضر از نتایج و دستاوردهای این تسهیل‌گران بهره برده‌ایم؛ چنانکه در بحث و گفت‌وگوها با اهالی و افراد اثرگذار، در گام اول، مهم‌ترین موضوع محله که تسهیل‌گران در پی اقدام آن بوده‌اند، بازگشایی و تعریض معابر برای عبور و مرو بوده است که به‌منظور عملیاتی‌کردن این برنامه علاوه‌بر هماهنگی نهادی بین شهرداری، راه و شهرسازی و مشاور طراحی، جلب اعتماد و مشارکت اهالی برای تعریض و عقب نشینی بسیار مهم بود و اجتماع محلی روی این موضوع اتفاق‌نظر داشتند.



شکل ۵. تصاویری از ساماندهی بسیج اجتماعی در قالب گروه‌های اجتماعی

مأخذ: بررسی‌های میدانی نویسندگان، ۱۴۰۱

با برگزاری نشست‌های متعدد گفت‌وگوی محلی اثرات مثبت طرح مسیرگشایی به‌صورت مکرر اعلام می‌شد. طرح‌های تشویقی و امکانات زیرساختی که به دنبال مسیرگشایی ایجاد می‌شدند، برای جامعه محلی تشریح می‌شد؛ بدین ترتیب موضوع مسیرگشایی به بحث اصلی جلسات و گردهمایی‌های محله تبدیل شد و مردم به این مسئله حساس شدند. با ایجاد حساسیت و جریان‌سازی تسهیل‌گران در بین اهالی محله مرادآباد بسیج اجتماعی را شکل دادند که از میان آنان نفرات زیادی آمادگی خود را برای پیگیری و مشارکت در اجرای طرح اعلام کردند. هدف از ایجاد بسیج اجتماعی، استفاده از نیروهای محلی، بسیج امکانات محلی و جلب مشارکت فعال مردم محله برای حل مسائل و مشکلاتشان است؛ بر این اساس، افراد داوطلب و افراد اثرگذار در

قالب گروه‌های اجتماعی محلی سامان‌دهی شدند و در مراحل مختلف اجرای پروژه رابط و همیار بین مردم و نهادهای متولی بودند و به‌عنوان بازوهای اجرایی شهرداری ایفای نقش می‌کردند.



شکل ٦. تصاویری از تعریض و بازگشایی معابر محله مرادآباد

مأخذ: بررسی‌های میدانی نویسندگان، ۱۴۰۱

همچنین دفاتر تسهیل‌گری توسعه محلی مرادآباد در راستای پیشبرد اهداف و عملیاتی کردن پروژه‌های عمرانی نیازمند برقراری ارتباط مؤثر و مستمر با نهادهای متولی بودند. این ارتباط با نهادهای دولتی و غیردولتی اعم از استانداری، شهرداری، شورای شهر، اداره برق، شرکت آب منطقه‌ای و... شکل گرفت و به دنبال آن جلسات مشترک دفتر تسهیل‌گری با نهادهای ذی‌ربط با هدف شناسایی ظرفیت‌ها، امکان‌سنجی، ایجاد انسجام و هماهنگی برگزار شد. خروجی این جلسات به ایجاد هماهنگی بین‌بخشی فعالیت دستگاه‌های مختلف (شهرداری، اداره برق، شرکت آب و فاضلاب و غیره)، درگیر در پروژه مسیرگشایی معابر محله مرادآباد، تسهیل‌گری برای هدایت و جذب بودجه سالانه دستگاه‌ها و نهادهای دولتی و عمومی به‌منظور تأمین زیرساخت‌های اولیه محله (آب، برق، گاز و...)، ایجاد شبکه همکاری نهادهای محلی و دولتی با هدف تعیین سهم آن‌ها به تفکیک پروژه‌ها و تقسیم وظایف و پرهیز از موازی کاری، منجر شد.



شکل ۷. تصاویری از اجرای خدمات زیربنایی (آب و برق)

مأخذ: بررسی‌های میدانی نویسندگان، ۱٤۰۱

ازاین‌رو باتوجه به اقدامات اساسی در دو بخش تسهیل‌گری اجتماعی (اجتماع‌محور) و رایزنی با جامعه محلی، همراه کردن اهالی محله مرادآباد و جلب مشارکت آنان در انجام پروژه مسیرگشایی و تسهیل‌گری نهادی (نهادمحور) و شناسایی منابع، ظرفیت‌ها و برنامه نهادهای متولی، هماهنگی بین‌بخشی بین دستگاه‌های مختلف شکل گرفت. سپس رایزنی و تسهیل‌گری با مقامات استانی، نمایندگان مجلس و غیره برای هدایت و جذب بودجه سالانه دستگاه‌ها و نهادهای دولتی و عمومی ذی‌ربط به‌منظور تأمین زیرساخت‌های اولیه (آب، برق، گاز و...) محله مرادآباد صورت پذیرفت. درنهایت با اجرای موفق و دقیق دو بخش مذکور توسط تیم دفتر تسهیل‌گری و همراهی جامعه محلی و دستگاههای محلی و استانی، شرایط برای اجرای پروژه مسیرگشایی معابر محله مرادآباد غربی مهیا شد.



شکل ۸. موقعیت معابر تعریض‌شده و تخریبی محله مرادآباد

مأخذ: ترسیم نویسندگان، ۱٤۰۱

٦. نتیجه‌گیری

رویکرد ارتباطی علاوه‌بر دارا بودن چهار ویژگی صداقت، صمیمیت، مشروعیت و گویایی، شامل سه معیار اصلی ارتباط، مشارکت و آموزش است که این معیارها به‌-عنوان اصول اساسی رویکرد برنامه‌ریزی ارتباطی، از ضرورت‌های فرایند برنامه‌ریزی محله‌ای و توسعه سکونتگاهای‌غیررسمی و مناطق حاشیه نشین و در جوامعی که نهادهای غیردولتی، اقتصادی و مدنی ضعیف هستند، می‌توانند دستیابی به اهداف توسعه شهری و ارتقای کیفیت زندگی را فراهم می‌آورند. پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر به‌کارگیری رهیافت برنامه‌ریزی ارتباطی در تحقق مشارکت ساکنین محله مرادآباد انجام شد.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد، شکل‌گیری فرایندی متناسب با سطح درک و ذهنیت ساکنین محله برای جلب اعتماد آن‌ها در راستای برطرف کردن مشکلات و به‌خصوص به رسمیت شناختن هویت محله و مالکیت، سبب ایجاد حلقه‌های مشارکت مردم شده است. از عناصر مهم این فرایند، دفاتر تسهیل‌گری بوده‌اند که تأسیس این دفاتر در محله پژوهش‌شده با هدف ایجاد شبکه روابط بین نهادهای دولتی (شهرداری، راه و شهرسازی، اداره آب، برق و...)، خصوصی (مهندسین مشاور) و ساکنین محله، باعث بروز همراهی و مشارکت مردم در اجرایی شدن پروژه‌های عمرانی ازجمله ساماندهی و مسیرگشایی معابر محله مرادآباد شده است. این طرح با در نظر گرفتن منفعت مردم، به جای ایستادگی و تقابل آن‌ها در برابر اجرایی شدن طرح، همسویی و همراهی آن‌ها را در تعریض معابر و تخریب واحدهای مسکونی مزاحم برای بازگشایی معابر در پی داشته است. در گام‌های بعدی مشکلات زیربنایی دیگر ازجمله آب و برق محله نیز با همین همراهی و همگامی برطرف شده‌اند. مهم‌ترین سازوکار برای انجام این اقدامات، ایجاد اعتماد بین نهادهای متولی توسعه محله با ساکنین محله و در بیشتر مراحل طرح ریزی و اجرا، همراهی و نظرخواهی مردم بوده است؛ چنانکه با توجه به بررسی‌های میدانی، براساس سنجش نگرش پاسخ‌گویان و تحلیل معناداری شاخص‌های مشارکت اجتماعی که از آزمون تی تک‌نمونه‌ای استفاده شد، نتایج حاصل از شاخص اعتماد اجتماعی با میانگین بیشتر از حد وسط و شاخص‌های تشریک مساعی، ارتباط اجتماعی و تعلق اجتماعی سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ بیانگر آن است که مشارکت ساکنین برای تبدیل محله به شرایط زیست‌پذیرتر، تأثیر درخورتوجهی داشته است؛ بنابراین با توجه به اینکه مجموع مقیاس‌ها در سطح معناداری کمتر از ۰۵/ ۰ قرار داشت و مقدار میانگین کل بیشتر از حد وسط بود، در کل بیانگر ارتباط معناداری بین برنامه‌ریزی ارتباطی با مشارکت اجتماعی در مجله مرادآباد است. نتایج تحقیق در زمینه تأثیر برنامه‌ریزی ارتباطی بر تحقق مشارکت با نتایج پژوهش‌های خارجی و داخلی همسوست؛ ازجمله مطالعات رکن‌الدین افتخاری و بهزادی‌نسب (۱۳۸۳) و شریف زادگان و شفیعی (۱۳۹٤)؛ به‌طوری‌که با طراحی الگویی بهینه شاهد نهادینه‌شدن مشارکت نظام‌مند و مؤثر مردم در عرصه برنامه‌ریزی خواهیم بود و ماهیت برنامه‌ریزی ارتباطی امکان به‌کارگیری آن در مقیاس خرد و به‌ویژه نواحی با مشکلات پیچیده

فراهم می‌کند. مطابق با پژوهش بو الینگ (۲۰۱٦)، برنامه‌ریزی ارتباطی برای تحقق برنامه‌ریزی بلندمدت کاملاً ضروری تلقی می‌شود که قادر به مقابله با چالش‌های عظیم، به‌عنوان‌مثال، تغییرات آب و هوا، مهاجرت جمعیت، توسعه پایدار، و تغییر و ثبات اجتماعی است. دامورسکی و اولکسی (۲۰۱۸) با استخراج هشت اصل مهم (حکومت، پایداری، ارتباطات، مشارکت، تاب‌آوری، نوآوری، همکاری و هماهنگی)، اهمیت پارادایم ارتباطی و مشارکتی را در گفتمان برنامه‌ریزی جاری در اروپا دریافتند که به‌رغم انتقادها، به‌عنوان یکی از اجزای سازنده اساسی سیاست ارضی اروپا باقی مانده است. نتایج پژوهش‌های قبلی داخلی و خارجی بر اعتبار نتایج پژوهش حاضر افزوده است و بیان می‌کند که به‌کارگیری رویکرد برنامه‌ریزی ارتباطی باعث کارایی مشارکت شهروندان می‌شود.

با توجه به یافته‌های این پژوهش به نظر می‌رسد که برای تداوم و استمرار مشارکت شهروندان در توسعه محله، ایجاد فضاهای شهری که مردم را برای تعامل و گفت‌وگو جذب کند و بتواند افکار عمومی را به هم نزدیک کند، ضرورت دارد؛ ازاین‌رو به نظر می‌رسد آنچه در نظریات و پارادایم‌های فکری گذشته وجود نداشته یا کم‌رنگ بوده است، نبود بستر تحقق اصول مشارکتی بوده است و آنچه امروزه می‌تواند باعث تحقق امر انتزاعی مشارکت شود، حوزه عمومی است؛ زیرا در حوزه عمومی (کتابخانه‌ها، پارک‌ها، قهوه‌خانه‌ها، سینما و...) افراد در وضعیتی آزاد، دور از تحمیل‌ها و اجبارها، درباره امر عمومی بحث کرده و نظریه‌های یکدیگر را ارزیابی می‌کنند و بدین وسیله، امکان رسیدن به توافق گروهی واقعی را به حداکثر می‌رسانند و زمینه مشارکت‌های اجتماعی را پررنگ‌تر می‌کنند.

کتابنامه

۱. آلمندینگر، ف. (۱۳۸۹). *نظریه برنامه‌ریزی* (ا. بهمن تیموری، مترجم). تهران: انتشارات آذرخش.
۲. ایستگلدی، م.، شکوهی، م. ا.، رهنما، م. ر.، و میرکتولی، ج. (۱۳۹٤). کنش ارتباطی زمینه‌ساز تحقق مشارکت شهروندان در فرایند توسعه شهری (مطالعه موردی: شهر گرگان). *پژوهش‌های جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری*، ۳(۳)، ۲۸۳–۲٦۳.

۳. بهرامی کمیل، ن. (۱۳۸۱). گفت‌وگو در اندیشه یورگن هابرماس. *فصلنامه مطالعات ملی*، (۹۷)، ۹۳۱-۹۱۳.

٤. پورمحمدی، م.، و خالقی، ع. (١٤٠١). واکاوی نارسایی‌های برنامه‌ریزی محلی روستایی مبتنی بر نظریه برنامه‌ریزی ارتباطی در استان آذربایجان شرقی. *نشریه توسعه محلی (روستایی - شهری)*، *١٤*(١)، ١٦٩-١٤١.

۵. حسین‌زاده، ع. ح.، ایدر، ن. ا.، و عباسی، ا. (۱۳۹۱). بررسی عوامل مؤثر بر مشارک شهروندی در بین شــهروندان شــهر خرم‌آباد. *فصلنامه مطالعات شهری*، *۲*(۲)، ۸۱-۵۹.

٦. راسل، ا. (۱۳۸۰). *برنامه‌ریزی تعاملی مدیریت هماهنگ با تحول برای ساختن آینده سازمان* (س. خلیلی شورینی، مترجم). تهران: نشر مرکز.

۷. رضاپور، م.، بحرینی، س. ح.، و طبیبیان، م. (۱۳۹۹). ارزیابی رابطهٔ کنش ارتباطی و پایداری شهری (مطالعهٔ موردی: شهر تهران). *فصلنامه پژوهش‌های جغرافیای انسانی*، *۵۲*(۱)، ۱۹۱-۹۱.

۸. رفیعیان، م.، و معروفی، س. (۱۳۹۰). نقش و کاربرد رویکرد برنامه‌ریزی ارتباطی در نظریه‌های نوین شهرسازی. *فصلنامه آرمان‌شهر*، (۷)، ۱۲۰-۱۱۳.

۹. رکن الدین افتخاری، ع.، و بهزادی‌نسب، ج. (۱۳۸۳). برنامه‌ریزی ارتباطی، رویکرد انتقادی به نظریه برنامه‌ریزی (با تأکید بر برنامه‌ریزی توسعه روستایی). *فصلنامه مدرس علوم انسانی*، *۸*(۱)، ۲۲-۱.

۱۰. شریف‌زادگان، م. ح.، و شفیعی، ا. (١٣٩٤). برنامه‌ریزی ارتباطی به‌عنوان رویکرد پیشنهادی برای برنامه‌ریزی شهری در مقیاس محلّات. *فصلنامهٔ علمی-پژوهشی رفاه اجتماعی*، *۱۵*(۵)، ۳۱۳-۲۸۱

۱۱. شفیعی، ا.، و خیابانی، م. (۱۳۹۰). رویکردارتباطی در برنامه‌ریزی شهری بررسی نظری و شناخت‌شناسی. *مجله فنی و مهندسی آبادی*، (۷۳-۷۲)، ۷۲-٥٦.

۱۲. عبدی‌پور، ز. (۱۳۸۷). *درآمدی بر نظریه‌های برنامه‌ریزی با تأکید ویژه بر برنامه‌ریزی شهری*. تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.

۱۳. علیخواه، ف. (۱۳۷۸). کنش ارتباطی، بنیاد شکوفایی حوزه عمومی (اندیشه‌های یورگن هابرماس). *اطلاعات سیاسی-اقتصادی*، (۱۳۹ و ١٤٠)، ۱۲۹-١١٤.

١٤. کالهون، گ. ج. (۲۰۰۷). *نظریهٔ اجتماعی و سیاست هویت* (ع. محمدزاده، و م. قلی‌پور، مترجمان). تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.

۱۵. کرمی، س. (۱۳۹٤). ارزیابی میزان تأثیر شهرسازی مشارکتی بر کیفیت‌های تنوع و احساس امنیت محلات مسکونی در ایران. *مجله پژوهش و برنامه‌ریزی شهری*، ٦ (۲۰)، ۱۷۰–۱۵۷.
۱٦. کریمی، م. (۱۳۹۱). *بررسی چالش‌های پیش رو به کارگیری رهیافت برنامه‌ریزی ارتباطی در فرایندهای برنامه‌ریزی در ایران (نمونه موردی: شهر تهران)* (پایان‌نامه منتشرنشده کارشناسی). دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.
۱۷. محمدی ماکرانی، ح. (۱۳۸٦). کاربرد نظریه کنش ارتباطی یورگن هابرماس در شهرسازی: موافقان و مخالفان. *صفه*، ۱٦ (٤٤)، ٤–۲۵.
۱۸. مرادی مسیحی، و.، خلج، م. (۱۳۸۹). *تحولات برنامه‌ریزی شهری در جهان و ایران (از دهه ۱۹۳۰ تا به امروز)*. تهران: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی.
۱۹. مشفقی، و.، پرتوی، پ. (۱۳۹۵). *چالش‌های کاربست برنامه‌ریزی ارتباطی در نظام برنامه‌ریزی شهری ایران*. مقاله ارائه‌شده در پنجمین کنفرانس ملی معماری و شهرسازی ایران در گذار آثار و اندیشه‌ها، قزوین.
۲۰. مهدیزاده، ج. (۱۳۹۵). *برنامه‌ریزی راهبردی توسعه شهری (تجربیات اخیر جهانی و جایگاه آن در ایران)* (چاپ چهارم). تهران: انتشارات آرمانشهر.
۲۱. نصیری، ی.، داود پور، ز.، و معینی‌فر، م. (۱٤۰۰). نظریه شهرسازی مشارکتی و شرایط تحقق آن در نظام برنامه‌ریزی شهری ایران. *فصلنامه جغرافیا و برنامه‌ریزی منطقه‌ای*، *۱۱*(۲)، ۷۱٤–٦۹۳.
۲۲. هاشم‌پور، ر.، قریشی، س. م. ش.، و خالو باقری، م. (۱۳۹۲). *برنامه‌ریزی ارتباطی، پارادایمی نوین در برنامه‌ریزی شهری تأکید بر مورد ایران*. مقاله ارائه‌شده در اولین همایش ملی شهرسازی و معماری در گذر زمان، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، واحد قزوین.
۲۳. یزدانیان، ا.، و کشت‌کار، و. (۱۳۹۵). تأثیر حوزه عمومی بر مشارکت شهروندان در امور شهری با تأکید بر بازآفرینی شهری. *نشریه هفت شهر*، *٤*(۵۳ و ۵٤)، ۱۷۳–۱۵۷.

24. Bo, E. (2016). Communicative planning as counter-power. *International Planning Studies*, *14*, 226-241.
25. Demoski, Ł., & Oleksy, M. (2018). Communicative and participatory paradigm in the European territorial policies: A discourse analysis. *European Planning Studies*, *2018*, 1-22
26. Forester, J. (2019). Five generations of theory–practice tensions. *Socio-Ecological Practice Research*, *2*(1), 111-119.
27. Healey, P. (1997). *Collaborative Planning: Shaping places in fragmented societies*. London: Macmillan Press.

28. Hillier, J. (2002). *shadows of power, An Allegory of Prudence in Land-use Planning*. London: Routledge.
29. Innes, J. E. (1995). Planning theory's emerging paradigm communicative action and interactive practice. *Journal of Planning Education and Research*, *14*, 89-183.
30. Mattila, H. (2020). Habermas revisited: Resurrecting the contested roots of communicative planning theory. *Progress in Planning*, *141*, 1-22.
31. Olsson, A. R. (2009). Relational rewards and communicative planning: Understanding actor motivation. *Journal of Planning Theory*, *8*(3), 263–281.
32. Sussmann, C. G. (2012). *Towards common ground: sustainable development in southeast false creek* (Doctoral dissertation). University of British Columbia, Vancouver.
33. Taylor, N. (1999). *Town planning social not just physical planning*. London: Routledge. ht
34. Westin, M. (2022). The framing of power in communicative planning theory: Analyzing the work of John Forester, Patsy Healey and Judith Innes. *Journal of the Planning Theory*, *21*(2), 132–154.